

بررسی جامعه شناسی آموزش و پرورش و تحلیل جامعه شناختی کلاس درس و برنامه درسی

نازنین قزاق

دانشجوی مقطع کارشناسی ناپیوسته علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گنبدکاووس

چکیده

به طور کلی جامعه شناسی آموزش و پرورش به مطالعه روابط میان آموزش و پرورش و جامعه، از طریق کاربرد منظم دانش، مفاهیم، نظریه ها، روش ها و فنون جامعه شناسی اطلاق می شود. استمرار و بقای هر جامعه ای مستلزم آن است که مجموع باورها، ارزش ها، رفتارها، گرایش ها، دانش ها و مهارت های آن به نسل های جدید منتقل شود. وسیله این انتقال آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش به معنی اعم مترادف با جامعه پذیری است. جامعه شناسی آموزش و پرورش رشته علمی نسبتاً جدیدی است که عمده ترین تحقیقات و تألیفات مربوط به آن در نیم قرن گذشته صورت پذیرفته اند، اما ریشه های آن را در آثار جامعه شناسان قرن نوزدهم نیز میتوان یافت. همچنین، با توجه به ساختار اجتماعی آموزش و پرورش و ارتباط تنگاتنگ آن با جامعه، میتوان به نقش کلیدی که جامعه شناسی آموزش و پرورش می تواند در این نهاد داشته باشد پی برد.

کلمات کلیدی: آموزش و پرورش، جامعه شناسی، ساختار اجتماعی

مقدمه

آموزش و پرورش، فرایندی ز گهواره تا گور است و در هر جامعه ای و در هر دوره ای از زندگی بشر از گذشته تا کنون، در جوامع ساده تا پیچیده به اشکال گوناگونی بوده است، از یادگیری براساس تجربه های زندگی تا آموزش های آموزشگاهی، بنابراین آموزش و پرورش یک پدیده ی اجتماعی است و مثل هر پدیده ی اجتماعی موضوع مورد مطالعه ی جامعه شناسی است. جامعه شناسی به زبان ساده مطالعه ی پدیده ی اجتماعی است و به کنش و واکنش ها و تأثیرات متقابل انسان و جامعه مربوط است. به عبارت دیگر جامعه شناسی برای کشف الگوهای مشترک یا متفاوت زندگی در قلمرو پدیده ی زندگی انسان در گروه ها و جامعه ها به مطالعه و تحقیق می پردازد. علاوه بر جامعه شناسی سایر رشته های علوم اجتماعی هرکدام با جنبه ای از زندگی گروهی و اجتماعی انسان از جمله آموزش و پرورش سروکار دارند. در واقع فهم درست تر و سنجیده تر رفتار انسان مستلزم استفاده از رویکرد میان رشته ای است. لذا جامعه شناسی آموزش و پرورش یکی از چند رشته ای است که به فهم ماهیت و منش پیچیده ی آموزش و پرورش یاری می رساند و وجه تمایز آن با سایر رشته ها در نوع پرسش ها و روش تحلیل آن است. جامعه شناسی آموزش و پرورش، پدیده ای است که آشکار یا نهان در تمام ارکان و نهادهای اجتماعی جای دارد و از راه تأثیرات متقابل در کل نظام اجتماعی نفوذ می کند. فراگرد آموزش و پرورش، متضمن ترکیبی از روابط و کنش های متقابل اجتماعی است. تحلیل جامعه شناختی آن هم می تواند به آموزش و پرورش رسمی که تحت شرایط معین در آموزشگاه ها صورت می گیرد و هم به فراگردهای تربیتی بی شماری که در خانواده و محیط زندگی به صورت منفی اتفاق می افتد ناظر باشد. «به طور کلی جامعه شناسی آموزش و پرورش بر مطالعه روابط میان آموزش و پرورش و جامعه، از طریق کاربرد منظم دانش، مفاهیم، نظریه ها، روشها و فنون جامعه شناسی، اطلاق می شود. در تعریفی دیگر، جامعه شناسی آموزش و پرورش عبارت است از: تحلیل علمی الگوها و فراگردهای اجتماعی دخیل در نظام آموزش و پرورش (Brookover & Erikson, 1975).

بان رابرتسون آموزش را تقریباً مترادف با جامعه پذیری میداند، زیرا هر دو واژه دربردارنده مفهوم انتقال فرهنگ از شخص یا گروهی به شخص یا گروه دیگر است. به عقیده وی آموزش عبارتست از انتقال منظم و سازمان یافته دانش، مهارت ها و ارزش ها. این تعریف با جایگاهی که آموزش و پرورش در جوامع فعلی دارد، مرتبط است. آموزش و پرورش در جوامع نوین به فعالیتی رسمی و صنعتی تبدیل شده است. در این جوامع، فعالیت های آموزشی سازمان یافته و برای برخی افراد در سنین خاص اجباری هستند. افرادی نیز به عنوان معلم و متخصص آموزش تربیت شده اند و محل ها و تجهیزاتی برای آموزش و فراگیری دانش آن مهیا شده است (رابرتسون، ۱۳۷۴).

تعریف جامعه شناسی آموزش و پرورش

جامعه شناسی آموزش و پرورش به مطالعه روابط میان آموزش و پرورش و جامعه، از طریق کاربرد منظم دانش، مفاهیم، نظریه ها، روش ها و فنون جامعه شناسی اطلاق می شود. در تعریفی دیگر، جامعه شناسی آموزش و پرورش عبارتست از: تحلیل علمی الگوها و فرایندهای اجتماعی دخیل در نظام آموزش و پرورش (منادی، ۱۳۹۲).

ساختار اجتماعی

به روابط و مناسبات نسبتاً ثابت و تقریباً پایداری می گویند که میان افراد یا گروه های اجتماعی جامعه که تحت مجموعه مشترکی از ارزش ها و هنجارهای فرهنگی گرد آمده اند، برقرار باشد. در واقع ساختار اجتماعی مجموعه روابط و پیوندهایی است که

میان افراد، گروه ها و طبقات متفاوت جامعه برقرار است و نهاد ها و رفتارهای اجتماعی یا فرهنگی در آن جامعه بر اساس این روابط ترتیب و تنظیم می یابند (اسفندیاری، ۱۳۸۱).

آموزش و پرورش از نگاه جامعه شناسان

آگوست کنت، واضع واژه جامعه شناسی، آموزش و پرورش را به منزله فرایند تهذیب و تزکیه آدمی می دانست. از نظر اسپنسر غایت آموزش و پرورش تدارک و تأمین زندگی بهتر برای فرد در جامعه است. به زعم وی، کارکردهای نظام آموزشی باید بسیار اندک و محدود باشد، به طوری که نباید در پرورش فرد زیاد مداخله کند. وی معتقد بود، طبیعت حس درک خوب و بد را در انسان به ودیعه گذاشته است. هر کودک با توجه به پیامدهای رفتار و کردار خود به یادگیری می پردازد و از راه طبیعی آموزش و یادگیری، به تفاوت های میان خوب و بد پی می برد.

از نظر امیل دورکیم نیز آموزش و پرورش یک امر واقع اجتماعی است و یک عنصر اصلی جامعه شناسی محسوب می شود. در تعریف وی آمده است: آموزش و پرورش فعالیتی است که نسل بالغ، درباره سنی که هنوز برای حیات اجتماعی نارس است، به جای می آورد و موضوع این فعالیت عبارتست از برانگیختن و پروردن افکار و معانی و شرایط معنوی و مادی که مقتضیات حیات در جامعه سیاسی و محیط خصوصی است و طفل برای زندگی در آن آماده می شود. برداشت دورکیم از آموزش و پرورش، از مفهومی که برای انسان قائل است، ناشی می شود. به نظر او، آدمی موجودی اجتماعی است و در جامعه زندگی خواهد کرد. لذا ملزم به آموزش و یادگیری راه و رسم زندگی اجتماعی جامعه خویش است. پس از لحاظ او، آموزش و پرورش وسیله سازمان دهی خود فردی و خود اجتماعی، به صورت یک موجود با انضباط است که میتوان آن را به شکل گیری شخصیت و تولد اجتماعی شخص تعبیر کرد.

مانهایم نیز مثل دورکیم بر نقش سازنده آموزش و پرورش به عنوان یک فرایند اجتماعی آگاهانه تأکید کرده است و آن را فی نفسه تکنیک و وسیله ای برای کنترل اجتماعی، بازسازی و نوسازی جامعه می داند که در صورت استفاده آگاهانه و برنامه ریزی شده، می تواند به ایجاد انسجام و یگانگی اجتماعی مدد رساند (نلر، ۱۳۸۸).

نظام آموزش و پرورش

منظور از نظام آموزش و پرورش الگوی کلی نهادها و سازمانهای رسمی جامعه است که به واسطه آن معارف و میراث فرهنگی منتقل و پرورش و رشد اجتماعی و شخصی افراد جامعه میسر می شود.

به طور کلی هدف جامعه شناسی آموزش و پرورش آن است که پدیده آموزش و پرورش، نحوه ی تشکل و سازمان دهی و کارکردهای آن در زندگی اجتماعی را مطالعه می کند.

ضرورت آموزش جامعه شناسی آموزش و پرورش

جامعه شناسی آموزش و پرورش بیش از سه ربع قرن، یکی از دروس دانشگاهی رشته های علوم تربیتی و اجتماعی بوده است. ولی پس از تثبیت آن به عنوان یکی از شاخه های تخصصی رشته جامعه شناختی و گسترش دانش نظری و کاربردی آن، اهمیت و ضرورت آموزش آن برای دانشجویان علوم تربیتی و جامعه شناسی محسوستر شده است.

به طور کلی، دانش جامعه شناسی آموزش و پرورش، می تواند برای والدین، معلمان و کارگزاران آموزش و پرورش، آگاهیهای سودمندی در زمینه درک و تشخیص مسائل تربیتی و حل آنها فراهم کند. از این رو، آموزش آن در رشته های مختلف می تواند مفید باشد. مولفان و صاحب نظران این رشته، دلایل مهمی برای تدریس جامعه شناسی آموزش و پرورش به دانشجویان رشته های آموزش و پرورش قایل شده اند که به پاره ای از آنها، به شرح زیر اشاره می کنیم:

۱- با گسترش روزافزون آموزش و پرورش، دانش آموزان گوناگونی از خاستگاههای اجتماعی مختلف، با تفاوت های فردی، خانوادگی، طبقه اجتماعی، قومی و زبانی، به آموزشگاهها سرازیر می شوند. یکپارچه سازی آنان، در چارچوب کلاس درس و مدرسه، مستلزم فهم عمیق تفاوت های اجتماعی آنان و اثرات این خصایص بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی است. معلمان، مدیران آموزشی، مربیان و کارشناسان آموزش و پرورش، برای حل مسائل و مشکلاتی که این عوامل پدید می آورند، به ابزارهای مفهومی و مهارت های اجتماعی نیاز دارند تا هر یک در حوزه کار خود بتوانند با اثربخشی عمل کنند. جامعه شناسی آموزش و پرورش، دانش و معلومات لازم در این زمینه را برای آنان میسر می سازد.

۲- جامعه شناسی آموزش و پرورش بینش کاملتری نسبت به مدرسه، جامعه و دانش آموزان فراهم می کند که دروس دیگر، مثل روان شناسی تربیتی، فلسفه آموزش و پرورش و تاریخ آموزش و پرورش به تنهایی قادر نیستند. در واقع این درس تعادلی در دانش رفتاری معلم و مربی به وجود می آورد که بدون آن، چنین تعادلی دشوار است.

۳- امروزه، کار آموزش و تربیت، بدون تکیه بر یافته های علمی مربوط به تاثیر عوامل اجتماعی بر امریادگیری، فاقد اثربخشی لازم است. آموزش جامعه شناسی آموزش و پرورش، در جوار سایر دروس علمی، کارگزاران آموزش و پرورش را با یافته های جدید، در زمینه اثرات عوامل گوناگون اجتماعی بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی آشنا می سازد.

۴- مطالعه جامعه شناسی آموزش و پرورش، کارگزاران آموزش و پرورش را، از لحاظ نگرش و رفتار، از قید تنگ نظریها و تعصبات می رهاند؛ زیرا با وسعت بخشیدن به چشم انداز حرفه ای آنها، تجربه های آنها را معنا دار ساخته، آنها را نسبت به تفاوت های فرهنگی، دینی، اجتماعی، نگرشی و رفتاری در محیط های آموزشی، حساس می سازد.

۵- کارگزارانی که مسئولیت خطیر سیاست گذاریها و تصمیم گیریهای تربیتی را بر عهده دارند، به مدد دانش جامعه شناسی آموزش و پرورش، از نیروهای اجتماعی موثر بر آموزش و پرورش و طرق اثرپذیری نظام آموزش و پرورش از آنها، آگاهی پیدا کرده، و در انجام وظایف حساس خود، می توانند با اشراف بیشتری عمل کنند.

۶- جامعه شناسی آموزش و پرورش به تمام کارگزاران آموزش و پرورش کمک می کند که از نقشها و وظایف گوناگون موجود در محیط های آموزشی، در ارتباط با هدف های آموزش و پرورش، تصویر درستی به دست آورده و ضرورت ایجاد هماهنگی بین انتظارات مختلف را درک نمایند.

۷- سرانجام، دانش جامعه شناسی آموزش و پرورش، همراه با روان شناسی تربیتی و فلسفه آموزش و پرورش، می تواند در تعیین هدفها و خط مشی های آموزش و پرورش، هدف های رفتاری و عملی مدرسه و کلاس، مددکار باشد. همان طور که روان شناس تربیتی به تعیین عملکرد آموزشی فردی می پردازد، جامعه شناسی آموزش و پرورش می تواند به تعیین هدف های رفتار گروهی و اجتماعی در برنامه های آموزشی کمک کند (علاقه بند، ۱۳۹۴).

قلمرو جامعه شناسی آموزش و پرورش

با توجه به گستردگی حوزه جامعه شناسی آموزش و پرورش، می توان بخش های مختلف را از آن متمایز کرد:

۱- رابطه نظام آموزشی با دیگر نهاد های جامعه که خود شامل چند بخش فرعی است از جمله نظام آموزشی با فرایند تغییرات اجتماعی و فرهنگی و کارکرد نظام آموزش رسمی در فرایند اصلاح اجتماعی، کارکرد نظام آموزشی در فرایند کنترل اجتماعی.

۲- فرهنگ مدرسه و روابط انسانی در داخل آن. الگوهای فرهنگی در درون مدرسه تفاوت فاحشی با دیگر نهاد های جامعه دارد و الگوهای تعامل بین افراد در مدرسه بسیار زیاد است از جمله ماهیت فرهنگ مدرسه در مقایسه با فرهنگ خارج از مدرسه، رابطه بین معلم و دانش آموز، الگو های قشر بندی در درون مدرسه (شارع پور، ۱۳۸۶).

رویکرد های نظری در جامعه شناسی آموزش و پرورش

مطالعات جامعه شناسی آموزش و پرورش، در سه زمینه ی مهم، تمرکز یافته اند:

نظام های بزرگ آموزش و پرورش، نهادهای آموزشی خاص و تعامل در محیط های آموزشی. ذیلاً سه رویکرد نظری مهم جامعه شناسی را به اختصار شرح می دهیم: رویکردهای کارکردگرایی و تضاد، با دیدی کلان نگر به جامعه و روابط اجتماعی می نگرند. در صورتی که رویکرد تعاملی با نگاهی خردنگر، روابط مقابل میان افراد و گروه های کوچک را مطالعه می کند.

۱- دیدگاه کارکردگرایی: این دو رویکرد نظری که از آن به عنوان نظریه ی توافق نام برده می شود، نظام جامعه نهادهای آن را، متشکل از اجزای همبسته ای می داند که دو پیوند با یکدیگر فعالیت کرده هر کدام کارکرد لازم و معینی را برای گردش کار و بقای کل جامعه انجام می دهند. الگوی کلی روابط متقابل بین اجزای نظام جامعه، ساختار آن را تشکیل می دهد. در این ساختار، هریک از اجزاء، کارکرد یا نقش ویژه ای در ارتباط با سایر اجزاء و کل نظام بر عهده دارند، پیوند و هماهنگی میان اجزاء، یگانگی و یکپارچگی نظام را به وجود می آورد. علی رغم تغییراتی که در اجزا و نهادهای اجتماعی اتفاق می افتد. همواره در آن تعادلی برقرار می شود که ثبات و پایداری نظام را تضمین می کند و سرانجام توافق در نظام از طریق جامعه پذیری و القای ارزش های اساسی به اعضاء، حاصل میگردد.

تحلیل نظام آموزش و پرورش از دیدگاه کارکردگرایی: از این دیدگاه، نظام آموزشی به عنوان بخش لاینفکی از کل نظام جامعه تلقی می شود که کارکردهایی نظیر انتقال فرهنگ و جامعه پذیری را، برای حفظ نظام اجتماعی جامعه، انجام می دهد. جامعه شناسانی که به شیوه ی کارکردی، آموزش و پرورش را مطالعه می کنند غالباً آن را به عنوان نهاد اجتماعی و از لحاظ ساختار و کارکردهای سازمانی، نقش ها و فعالیت های سازمان ها و تحقق اهداف و مقاصد آن مدنظر قرار می دهند. منتقدان این روش بر آن ها که رویکرد کارکردی، آرمان ها، ارزش ها، علایق و انتظارات گروه های مختلف و متضاد جامعه را، در ارتباط با هدف ها و برنامه های نظام آموزشی نادیده می گیرد. انتقاد دیگر، دشواری تحلیل کنش های متقابل و پویائی های موجود در محیط های آموزشی - نظیر روابط مقابل میان دانش آموزان و معلمان - از این دیدگاه است. افزون بر آن، این رویکرد با محتوای فراگرد آموزش و پرورش کاری ندارد. علی رغم این نگرش، افراد در ساختار نظام آموزشی، فقط ایفاگر نقش یا کارکرد به شمار نمی روند بلکه نقش و کارکرد خود را می آفرینند و تغییر می دهند. سرانجام این نظریه به صورت ضمنی فرض می کند که تغییر در نظام، تدریجی و آگاهانه بوده، تعادل آن را بر هم نمی زند که این امر به وضوح در همه موقعیت های اجتماعی صحت ندارد.

۲- دیدگاه ستیز یا تضاد: درحالی که نظریه توافقی بر یگانگی و ثبات تکیه دارد دیدگاه تضادی بر ماهیت اجبار تاکید می کند. این نظریه برآن است وجود گروههای ذینفع و رقابت جو همواره جامعه را در معرض کشمکش قرارمیدهد. صاحب نظران این دیدگاه آموزش و پرورش را به منزله ی نوعی ابزار دردست نظام سرمایه داری تلقی میکنند.

۳- نظریه تعامل گرا : دو نظریه تعامل گرا که در قلمرو آموزش و پرورش سودمند است: یکی نظریه برچسب و دیگری نظریه ی مبادله. طبق نظریه برچسب اگر به کودکی به کرات گفته شود کودن است او این موضوع را به عنوان وجهی از خود انگاری خود می پذیرد و براساس آن عمل میکند. طبق نظریه ی مبادله کنش های متقابل ما متضمن داد و ستد است یعنی کنش های متقابل، افراد و گروه ها را به الزامات و تعهداتی مقید می سازد. استفاده از این نظریه ها در آموزش و پرورش باعث تسهیل در فهم پویایی محیط های آموزشی می گردد.

رویکرد های یاد شده وقتی در کنار هم و به شکل ترکیبی مورد استفاده قرار گیرند می توانند درک وسیع تری هم درمورد ساختارهای نظام تعلیم و تربیت و هم درمورد تعامل گروه ها در محیط های آموزشی مدد برسانند.

انواع روش تحقیق در جامعه شناسی آموزش و پرورش

تحقیق کمی و کیفی

در تحقیق کیفی محقق تمعدا با هریک از افراد مورد تحقیق کنش و واکنش فردی برقرار میکند و همینطور محقق آزاد است تا شهود و قضاوت شخصی خود را مبنایی برای طرح سوال و انجام مشاهده قرار دهد. ولی در تحقیق کمی چون هدف اصلی محقق رعایت عینیت است لذا میکوشد تا ارزش ها ، افکار و باور های شخصی خود را در جمع آوری داده ها و تحلیل آنها دخالت ندهد و از ابزاری مانند پرسشنامه استفاده می کند تا تعامل فردی او را با نمونه مورد تحقیق به حداقل برساند اگر تحقیق مستلزم ارتباط دو جانبه مانند مصاحبه باشد محقق میکوشد تا این ارتباط را استاندارد نماید تا شرایط برای همه نمونه ها یکسان باشد. در این نوع تحقیق نقش نمونه ها بیشتر انفعالی است، تنها نقش آنها پاسخ دادن به سوالات محقق است و برخلاف تحقیقات کیفی که محقق از دیدگاه ذهنی برای جمع آوری داده ها و تحلیل آنها استفاده میکند در تحقیقات کمی از آنها خواسته نمی شود تا داده ها را تفسیر کنند یا نظر شخصی خود را درباره داده ها ارائه نمایند (Kuhn, 1970).

اقدام پژوهی در آموزش و پرورش

اقدام پژوهی در حرفه آموزش و پرورش دارای پنج امتیاز و حسن میباشد:

۱- این نوع تحقیق به نظریه و دانش لازم برای بهبود عملکرد کمک می کند برای مثال معلمان مدارس در پی آن هستند که دانشی را که در آموزش قبل از خدمت به دست آوردند و همینطور تجارب آموزشی خود را از طریق حضور درهمایش های حرفه ای و خواندن گزارش های آموزشی ارتقا بدهند.

۲- اقدام پژوهی سبب توسعه حرفه ای افراد درگیر و دست اندرکاران آموزش و پرورش می شود.

۳- اقدام پژوهی سبب شکل گیری نظام شبکه همکاری میان افراد مختلف می شود و اقدام پژوهی اغلب مستلزم همکاری دست اندرکاران مختلف نظام آموزش و پرورش است.

۴- اقدام پژوهی سبب میشود که افراد درگیر، مسائل و مشکلات را شناسایی و تعیین کرده و به شیوه ای نظام مند در پی راه حل باشند

۵- از اقدام پژوهی میتوان در تمامی سطوح و در تمامی حوزه های آموزش و پرورش سود جست.

مراحل اقدام پژوهی

اقدام پژوهی دارای هفت مرحله می باشد: (۱) تعریف مساله (۲) انتخاب یک طرح (۳) انتخاب نمونه (۴) انتخاب ابزار سنجش (۵) تحلیل داده ها (۶) تفسیر و کاربرد یافته ها (۷) گزارش یافته ها

نظام دیوان سالاری

به نظام سازمانی که برای اجرای وظایف اداری خاصی طراحی شده دیوانسالاری گویند. دیوان سالاری دارای تقسیم کار دقیق سلسه مراتب قدرت، نظام قواعد و قوانین است و بیشتر کار هایی که در عرصه جامعه شناسی سازمان صورت می گیرد مدیون آثار ماکس وبر است به اعتقاد او اقتدار بر حسب اعتقاد به سنت یا جاذبه های کاریزماتیک یا رویه های قانونی و منطقی می تواند مشروعیت یابد و دیوان سالاری تجسم این اقتدار قانونی و منطقی است (Robinson, 1981).

سازمان اجتماعی مدرسه

مدرسه قبل از هرچیز یک سازمان است و بسیاری از ویژگی مشترک سازمان ها را دارد در واقع مدرسه نوع خاصی از سازمان اجتماعی، سازمان اجتماعی نوع خاصی از نظام اجتماعی است و نظام اجتماعی خود نوع خاصی از نظام است و به عبارت دیگر نظام مجموعه ای از عنصر است که با یکدیگر ارتباط متقابل دارند و مدرسه نیز نوعی دیگر از نظام باز است. مدرسه یک ساختمان با انواع اتاق و ساختمان نیست بلکه نوعی ارتباط ساختاری بین کادر آموزشی و دانش آموزان است و تمامی نظام های باز جریان انرژی را از محیط می گیرند و دوباره به محیط بر می گردانند. از دیدگاه جامعه شناسی نظام مدرسه از بسیاری جهت دارای ویژگی های یک سازمان است براساس الگوی سازمانی کار مدرسه انتقال دانش و مهارت به دانش آموزان است و باید پرسنل لازم برای رسیدن به این هدف استخدام شوند.

کنترل در سازمان اجتماعی مدرسه

به طور کلی چهار نوع کنترل در مدرسه به چشم میخورد:

الف) کنترل اداری، این کنترل شامل ابعادی از مدرسه است که تعیین آنها برعهده قواعد و قوانین رسمی است مثل تنظیم ساعات درسی برنامه کلاسی و برنامه امتحانی.

ب) کنترل تشریفاتی، می باید اعضا در تعهدات خویش نسبت به اهداف سازمان تشویق شوند این کار از طریق مشارکت در فعالیت های تشریفاتی که اعضای مدرسه را با یکدیگر پیوند می دهند صورت میگیرد. این رفتارهای تشریفاتی شامل گردهمایی های هفتگی، مراسم فارغ التحصیلی و مراسم روز های ویژه است.

ج) کنترل شخصی، کنترل اداری می تواند افراد را در زمان و مکان صحیح قرار دهد و کنترل تشریفاتی بعضی از معلمان و دانش آموزان را تحریک و تهییج می کند. اما این دو نوع از کنترل نمی تواند تضمین کند که اهداف سازمانی برآورده خواهد شد به این دلیل مدارس بر کنترل شخصی تکیه میکند که هر روز از طریق روابط رودر رو صورت میگیرد اساس اولیه چنین کنترلی اقتدار اداری است معلمان، دانش آموزان را و معلمان قدیمی معلمان جدید را کنترل می نمایند.

د) کنترل نمادین، راه دیگر کنترل افراد برای تضمین اینکه موفقیت آنها از مرز حداقل بالاتر رود، استفاده از تشویق و تنبیه نمادین است منظور از کنترل نمادین، نمره دادن و ارتقا به کلاس های بالاتر است (Waters & Crook, 1990).

جامعه شناسی کلاس درس

تنها زمانی میشود کلاس درس را یک گروه اولیه به حساب آورد که تمام شرایط زیر حاکم و صادق باشد:

۱- دارا بودن اهداف مشترک توسط افراد شرکت کننده: از دیدگاه دانش آموزان کار معلم تدریس است. هر چند ممکن است او به این کار خود به عنوان ابزار کسب درآمد نگاه کند.

۲- اگر قرار است گروه از نوع اولیه باشد، افراد به دیگران و روابط خود با آنها مثل هدف بنگرند نه وسیله، کودکان یک کلاس اغلب به یکدیگر مانند دوست مینگرند ولی معلم به خصوص در مدارس راهنمایی و متوسطه چنین نگرشی به دانش آموزان ندارد.

۳- اعضای یک گروه اولیه اغلب اطلاعات درونی بسیاری در مورد یکدیگر دارند مانند اطلاعاتی که والدین از کودک خود دارند ولی اطلاعات معلم از دانش آموز محدود و خاص است.

۴- کنترل در گروه اولیه غیر رسمی است، لذا افراد احساس آزادی دارند ولی در گروه ثانویه، کنترل رسمی است و افراد نوعی فشار و قید و بند خارجی نسبت به رفتار های خود احساس میکنند، کنترل در میان خود دانش آموزان از نوع غیر رسمی است ولی کنترل معلم بر دانش آموزان رسمی است (Johnson, 1997).

کلاس درس بعنوان یک نظام اجتماعی

کلاس دارای دو کارکرد مهم است. اول، کلاس درس را میتوان یکی از عوامل اجتماعی شدن دانست بدین معنا است که کلاس وسیله ای است که اعضای یک جامعه می آموزند که نقشهای خود به خوبی ایفا کنند. دوم، کلاس درس یکی از عوامل تخصیص نیروی انسانی است در واقع مدرسه است که افراد برای مشاغل متفاوت در جامعه انتخاب میکند، از این میتوان نتیجه گرفت که هرچه دانش آموز در مدرسه عملکرد موثرتری داشته باشد در آینده شغلی او هم تاثیر بیشتری دارد در این حوزه میتوان به نقش مطالعات جامعه سنجی اشاره نمود این مطالعات به بررسی عوامل موثر در روابط اجتماعی دانش آموزان در کلاس درس نیز پرداخته اند به این نکته نیز میتوان دست یافت که معلمان اغلب در درک روابط اجتماعی دانش آموزان در کلاس درس دچار سوء

تفاهم میشوند. نقش دیگر جامعه شناسی، ناشی از بررسی منابع و عوامل مشکل آفرین برای معلمان است مدرسه باید زمینه هماهنگی و انسجام کار را برای پرسنل خود فراهم سازد. باید فرد خاصی مسئولیتها را تعیین کند و بتواند دانش آموزان و معلمان را به خاطر انجام رفتار های انحرافی تنبیه کند.

مشکلات اجتماعی و برنامه ریزی درسی

در هر جامعه در شروع کار برنامه ریزی درسی، اطلاع از نیازها حائز اهمیت است. اما برنامه ریزان درسی نیز برای مقابله با این نیازها و مشکلات باید از ویژگی های خاصی برخوردار باشند. آنان باید:

۱- در مقابل تغییرات و تحولات اجتماعی دارای ذهنی باز باشند.

۲- احساسات و عواطف مردم و جامع را درک کنند.

۳- درک صحیحی از تعامل و پویایی لازم زندگی داشته باشند.

۴- ژرف اندیش و عمیق باشند.

۵- در مقابل تغییرات اجتماعی مسئولیت پذیر باشند.

راہبرد های تربیتی برای مقابله با مشکلات اجتماعی

برای مقابله با برخی مشکلات، راهبردهای تربیتی متنوعی پیشنهاد شده است که در زیر برخی از آنها مطرح میشود:

۱- توسعه برنامه های مربوط به آموزشهای پیش دبستانی

۲- گسترش خدمات حمایتی کودکان

۳- روش های متنوع یادگیری

۴- آموزش های چند فرهنگی

۵- تقویت برنامه های پیوند خانه و مدرسه (یارمحمدیان، ۱۳۹۵).

تأثیرات محیط خانواده بر موفقیت تحصیلی

دو جنبه از رفتار والدین نسبت به کودکان حائز اهمیت است یکی پاسخدهی والدین و دیگری توقع والدین. منظور از پاسخدهی والدین این است که آنها تا چه حد به نیاز های فرزند خود به شیوه حمایتی و پذیرنده واکنش نشان می دهد والدین از لحاظ این دو بعد تفاوت زیادی باهم دارند برخی از آنها گرم و جذاب برخی دیگر بی اعتنا و طرد کننده هستند. برخی از والدین توقعات و انتظاراتی از فرزندان خود دارند و برخی دیگر بسیار آسان می گیرند نکته مهم این است که این دو بعد کاملاً از همدیگر

مستقل هستند یعنی احتمال دارد که پدر و مادری بسیار تقاضا مند باشد ولی اصلا به فرزندان خود واکنش نشان ندهد و برعکس. به والدینی که بسیار پاسخ گو بوده ولی هیچ تقاضایی ندارند آسان گیر میگویند و به خانواده هایی که هم بسیار پاسخگو و هم بسیار تقاضامند مقتدر میگویند و همچنین به خانواده هایی که بسیار تقاضا دارند اما پاسخگو نیستند اقتدار گر یا خود کامه می گویند و به خانواده هایی که نه تقاضایی دارند و نه پاسخ گو هستند بی تفاوت می گویند. بسیاری از مطالعات نشان می دهد که این طبقه بندی چهار گانه در فهم تاثیر والدین بر فرزندان بسیار مهم است (Baumrind, 1973).

نظریه پیشگویی خودتحقق بخش

در واقع تز اصلی نظریه پیشگویی خود تحقق بخش این است که دانش آموزان فقط چیزی را می آموزند که از آنها انتظار می رود بیاموزند و این نظریه دارای سه گزاره است:

- ۱- معلم براساس ویژگی های انتسابی دانش آموز، انتظارات خاصی از او دارد.
- ۲- این انتظارات خاص سبب بروز رفتار خاص در معلم نسبت به این دانش آموز می شود.
- ۳- این رفتار های خاص نیز به نوبه خود تاثیر شدیدی بر یادگیری دانش آموز بر جای می گذارد (Hurn, 1985).

مقایسه ویژگی های ساختاری مدرسه با ویژگی های ساختاری خانواده

مقایسه بین این دو شرایط اجتماعی با توجه به ابعاد و ملاک های زیر صورت میگیرد:

- ۱- مرزها و ابعاد، از این لحاظ تفاوت خانه و مدرسه در این است در سازمان اجتماعی خانه تمایزی وجود ندارد، به این معنا است که خانواده رسماً فاقد تقسیمات فرعی است درحالی که مدرسه به سطوح مختلفی تقسیم شده و در هر مقطع کلاسهای درسی متفاوتی وجود دارد. از همین لحاظ تفاوت خانه و مدرسه در این است که واحد خویشاوندی مرکب از والدین و فرزندان وابسته است و کلاس درس مرکب از معلم و شاگردان. البته باید به این توجه داشت که تعداد افرادی که اعضای کلاس درس را تشکیل میدهند، همیشه بیشتر از تعداد افراد خانواده است.
- ۲- طول مدت روابط اجتماعی، تا زمانی که کودک به سن مدرسه نرسد بیشترین زمان را درخانه و با خانواده خود سپری میکند ولی با شروع سن مدرسه بخشی از زمان خود را در مدرسه و درکنار معلمان و دانش آموزان سپری میکند یعنی با کسانی که با او رابطه خویشاوندی ندارد او در هر سال تحصیلی با یک معلم جدید رابطه دارد ولی ارتباط او با خانواده اش ثابت و پابرجاست و خلاصه اینکه اگر چه کودک خانه را برای رفتن به مدرسه ترک میکند ولی همچنان عضویت فعال و مشارکت او در خانه ادامه دارد.
- ۳- تعداد نسبی بزرگسالان و غیر بزرگسالان، نسبت نشان داده که رشد کلامی در کودک ارتباط معکوسی با بعد خانواده دارد. اگرچه خانواده و کلاس درس دارای این وجه مشترک اند که در هر دو موقعیت هایی برای بزرگسالان و غیر بزرگسالان وجود دارد.
- ۴- ترکیب ویژگی های کودکان در خانه و مدرسه، از میان تمام ویژگی ها سن استثنای بیشتری دارد در فواصل سنی خاص کودکان ویژگی های جسمانی و روانی، توانایی ها و مهارت های خاصی بدست می آورد و به فعالیت بخصوصی می پردازد.

دیدگاه بوردیو در مورد سرمایه اجتماعی

بوردیو اولین محقق بود که به مطالعه نظام مند ویژگی های سرمایه اجتماعی پرداخت و براساس تعریف او سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط نهادی شده بین افراد و به عبارت ساده تر عضویت در یک گروه است. به اعتقاد بوردیو سرمایه اجتماعی بعنوان شبکه ای از روابط، یک ودیعه طبیعی یا یک ودیعه اجتماعی نیست بلکه چیزی است که در طول زمان برای کسب آن باید تلاش کرد و سرمایه اجتماعی حاصل نوعی سرمایه گذاری فردی و اجتماعی آگاهانه و ناآگاهانه است که بدنبال تثبیت یا باز تولید روابط اجتماعی است که مستقیماً در کوتاه مدت یا بلند مدت قابل استفاده اند (Bourdieu, 1986).

سرمایه اجتماعی و آموزش و پرورش

برخی از سازکار هایی که سرمایه اجتماعی از طریق آنها بر عملکرد تحصیلی تاثیر می گذارد عبارتند از:

۱- رابطه بین والدین و فرزند. وجود سرمایه اجتماعی در درون خانواده از این رو حائز اهمیت است که به فرزندان در همان دوران کودکی اجازه دسترسی به سرمایه انسانی والدین می دهد ولی این امر به حضور فیزیکی والدین در خانه و میزان توجه، علاقه و تشویق والدین بستگی دارد.

۲- نوع رابطه بین مادر و پدر با یکدیگر و رابطه آنها با مدرسه، تاثیر قدرتمندی بر فرزندان و تشویق فرهنگ یادگیری دارد.

۳- آرزوهای تحصیلی و شغلی تاثیر بسیاری بر نوع عملکرد فرد دارد و بخش زیادی از این آرزوها از طریق شبکه اجتماعی به فرد منتقل می شود لذا کمیت و کیفیت شبکه های اجتماعی فرد در نوع و سطح آرزوهای تحصیلی و شغلی او تاثیر فراوانی دارد (شارع پور، ۱۳۸۶).

نظریه وابستگی متقابل در آموزش و پرورش

وابستگی متقابل اجتماعی زمانی پدید می آید که رفتار هر فردی تحت تاثیر کنش های دیگران باشد. در هر وضعیت اجتماعی افراد ممکن است برای نیل به اهداف متقابل به یکدیگر بپیوندند، با یکدیگر رقابت کنند تا ببینند که چه کسی بهترین است یا به طور مستقل از دیگران عمل کنند. دو نوع وابستگی متقابل اجتماعی وجود دارد وابستگی مبتنی بر تعاون و مبتنی بر رقابت. تعاون زمانی پدید می آید که فرد درک کند که با دیگران چنان پیوند خورده که موفقیت او بدون موفقیت بقیه امکان پذیر نیست و اما رقابت زمانی پدید می آید که ادراک فرد این باشد که او نمی تواند موفق شود مگر با شکست دیگران و برعکس و کار او سبب کاهش شانس موفقیت دیگران شده و کار دیگران سبب کاهش شانس موفقیت او میشود (Johnson, 1997).

جامعه پذیری سیاسی

جامعه پذیری سیاسی فرایندی است که براساس آن جامعه گرایشها، نگرش ها، دانش ها و معیارهای سیاسی خود را از نسلی به نسل دیگر منتقل می کند جامعه پذیری سیاسی در عامترین معنای آن مربوط به شیوه انتقال فرهنگ سیاسی جامعه از نسلی به نسل دیگر می شود ومنظور از فرهنگ سیاسی در جامعه توزیع الگو های جهت گیری نسبت به موضوعات سیاسی در میان

اعضای ان جامعه و انواع جهت گیری ها شامل جهت گیری شناختی، عاطفی و جهت گیری ارزیابی که به قضاوت در مورد موضوعات سیاسی می پردازد و درواقع یکی از راه هایی که نظام به حمایت خود و حفظ خویش می پردازد.

عوامل جامعه پذیری سیاسی

- ۱- خانواده: اولین گروه اجتماعی که فرد به آن ملحق میشود و اولین کار گذار جامعه پذیری زندگی اجتماعی کودک است.
- ۲- مدرسه: مدرسه آینه ارزش های حاکم بر جامعه و به تعبیری منعکس کننده ساختار ارزش های آن است در خصوص بحث تاثیر مدرسه بر نگرش ها و آراء و رفتار های سیاسی باید به دئوع تاثیر توجه نمود:
- الف) انتقال مستقیم ارزش ها و هنجار ها از طریق محتوای کتب درسی و نظرات سیاسی معلمان. ب) انتقال غیر مستقیم ارزش ها، هنجارها و نگرش ها از طریق تعمیم تجربیات ناشی از ماهیت ساختار اقتدار در مدرسه.
- ۳- وسایل ارتباط جمعی، رادیو تلویزیون و مجله چنان پوشش کاملی از امور سیاسی و نگرش های سیاسی فراهم میکنند که تاثیر زیادی بر شخص می گذارد و کودکان و نوجوانان مدام در معرض این رسانه ها و تاثیرات آنها هستند.
- ۴- گروه دوستان، گروه نقش مهمی در رشد اجتماعی کودکان دارد و یکی از مهم ترین این گروه ها گروه همسالان است که سه عامل هم سنی، همکلاسی، همسایگی موجب تشکیل آنها میشود که معمولاً دارای خصوصیات مشترک بوده و بر همدیگر تاثیر میگذارند (Coleman, 1961).

اجتماع و گروه های اجتماعی

کودکان و نوجوانان بر حسب سطوح سنی خویش در انواع گروه های آموزشی، ورزشی و مذهبی و... مشارکت دارند. برخی سازمان ها در کنار فعالیت های اصلی خود در راستای این زمینه ها، هزینه هایی را متقبل می شوند. به علاوه سازمان ها و گروه های غیر رسمی آموزشی چون کتابخانه ها، ناشرین و موزه ها نیز میتوانند منشأ برخی برنامه های تربیتی در جامعه باشند. این بخش از عناصر اجتماعی نیز میتواند در مسیر اهداف نظام آموزش و پرورش عنصر تقویت کننده یا مانع باشند. اما آنچه که مهم است اینکه برنامه ریزان درسی با ملاحظه ی چگونگی اثر گذاری این عناصر اجتماعی و با تشخیص مطلوب و به موقع بتوانند در صورت لزوم طی برنامه های درسی قدرت آنها را کاهش داده و یا اینکه در راستای تقویت و تحکیم برنامه های خود حتی از آنها استفاده نمایند. همچنین با توجه به اینکه اجتماع نقش تربیتی مهمی در جامعه بازی خواهد کرد، زمانی برنامه های تربیتی به موفقیت خواهند رسید که هماهنگی بین نهادها و عناصر تربیتی جامعه زیاد باشد.

کلاس درس به عنوان یک گروه اجتماعی پویا

مربیان و برنامه ریزان درسی معتقدند جز با فهم و شناخت کامل نحوه ی عمل دانش آموزان در مدرسه و به ویژه در کلاس درس به عنوان یک گروه اجتماعی، برنامه ریزی و اجرای برنامه های درسی به نتایج مطلوبی منجر نخواهد شد. چرا که شناخت رفتار انسان به منظور تغییر و اصلاح رفتار او مستلزم شناخت ماهیت گروه، چگونگی عمل گروهی، نحوه ی برقراری ارتباط توسط افراد با گروه ها یا در گروه ها و دیگر ابعاد عمل گروهی است. اعضای گروه ها معمولاً اوقاتی را با هم در یک محل می

گذرانند و نیازهای زیستی و اجتماعی خویش را در گروه برآورده می سازند، کودکان در گروه های اجتماعی رشد می یابند و اجتماعی می شوند. این گروه ها چنانکه می دانیم شامل مدارس، اماکن مذهبی و اجتماعی هستند. مدرسه در این میان جایگاه ویژه ای دارد. برنامه ریزان درسی در این راستا به بررسی سؤالاتی از این قبیل علاقمندند:

چه شرایطی برای رشد و کنش اثر بخش در کلاس درس لازم است؟

چگونه گروه کلاسی بر رفتار، تفکر، نگرش و سازگاری دانش آموزان اثر می گذارد؟

معلم تا چه میزان بر ماهیت و چگونگی مناسبات میان دانش آموزان اثر دارد؟

در این ارتباط کتابهای درسی چه نقشی میتوانند داشته باشند؟ (یارمحمدیان، ۱۳۹۵).

مفهوم شهروندی

مفهوم شهروند یکی از دیرباز ترین مفاهیم سیاسی اجتماعی است که از دوران یونان باستان تاکنون مورد توجه کثیری از متفکران سیاسی و اجتماعی قرار داشته است. در واقع مفهوم شهروند در مسیر تحول تاریخ زندگی بشر متحول شده و در دوران های مختلف تفکر سیاسی از شهروند معانی خاص استنباط شده است. به اعتقاد مارشال در کتاب شهروندی، اولاً شهروندی وضعیتی است که ناشی از عضویت کامل فرد در اجتماع است و ثانیاً کسانی که حائز این وضعیتند حقوق و وظایف یکسانی دارند. اهمیت کار مارشال در این است که او کوشیده تا به وظایف و تکالیف شهروندان بپردازد و به اعتقاد او باید بین حقوق شهروندی و تکالیف شهروندی نوعی تعادل وجود داشته باشد. بدین ترتیب او آموزش و پرورش را نه یک حق شهروندی بلکه یک وظیفه و تکلیف می داند و شهروندان برای شناخت حقوق خویش و استفاده از آن باید از آموزش و پرورش برخوردار باشند پس کسب آموزش و پرورش یک وظیفه و تکلیف است زیرا آموزش و پرورش ابزاری است برای فهم حقوق و همچنین تکالیف شهروندی و اجرای این تکالیف و وظایف به نحو مطلوب (شارع پور، ۱۳۸۶).

مبانی جامعه شناختی برنامه ریزی درسی

از جمله مبانی عمده و قابل توجه برای برنامه ریزان، مبانی اجتماعی یا جامعه شناختی برنامه درسی است. اساساً برنامه ریزان باید از هوش اجتماعی بالایی در کار خویش برخوردار باشند. آنان باید ماهیت جامعه و فرهنگ را درک نموده، کارکردهای اجتماعی مدرسه را شناخته و از آن در رفع نیازهای حال و آینده ی جامعه بهره گیرند. از سویی باید بدانند تدریس و آموزش ماهیتاً یک نظام ارتباطی متقابل است. کلاس درس به منزله گروه پویای اجتماعی است و مدرسه به مثابه ی یک نهاد اجتماعی است. عدم اطلاع از این امور منجر به مشکلات عدیده ای برای برنامه ریزان درسی و مخاطبان آنان خواهد شد، چرا که برنامه های درسی تهیه شده، با نیازهای اجتماعی و سطوح متعدد آن همخوانی لازم را نخواهد داشت (یارمحمدیان، ۱۳۹۵).

عوامل اجتماعی موثر بر همسالان

همسالان در برهه ای از زندگی کودک در او تأثیر فوق العاده ای دارند. پس از والدین، همسالان بیشترین تأثیر را در کودک دارند و مدرسه پس از آن قرار میگیرد. ثابت شده است که همسالان در گرایش های آموزشی پیشرفت تحصیلی، خویش پنداری دوره ی کودکی و رشد اجتماعی نوجوانان اثر فوق العاده ای دارند.

گروه همسالان، کودک و نوجوان را در دامنه ی وسیعی از تجارب درگیر می سازد. برنامه ریزان درسی مدارس باید مترصد دستیابی به اطلاعات در خصوص الگوهای رایج بین همسالان باشند. همسالان نیز چون خانواده، هر چند گاهی موانع مشکلاتی را سد راه مدرسه و خانواده قرار می دهند. اما با آشنایی برنامه ریزان درسی و معلمان از چگونگی شکل دهی و استفاده از آن در خلال طراحی و اجرای برنامه های درسی می توانند به عنوان عوامل قدرتمندی نقش خود را ایفا کنند (پارمحمیدیان، ۱۳۹۵).

بحث و نتیجه گیری

به طور خلاصه جامعه شناسی آموزش و پرورش، پدیده ای است که آشکار یا نهان در تمام ارکان و نهادهای اجتماعی جای دارد و از راه تأثیرات متقابل در کل نظام اجتماعی نفوذ می کند. فراگرد آموزش و پرورش، متضمن ترکیبی از روابط و کنش های متقابل اجتماعی است. تحلیل جامعه شناسی آن هم می تواند به آموزش و پرورش رسمی که تحت شرایط معین درآموزشگاه ها صورت می گیرد و هم به فراگردهای تربیتی بی شماری که در خانواده و محیط زندگی به صورت منفی اتفاق می افتد ناظر باشد.

دموکراسی نوعی نظام سیاسی است که در آن شهروندان معمولی می توانند نخبگان را کنترل کنند و چنین کنترلی مشروع و قانونی نیز هست. امروزه تأکید زیادی بر این نکته وجود دارد که دوام و بقای دموکراسی به نحوه انتقال شیوه زندگی در جامعه دموکراتیک و احساس تعهد به آن از سوی نسل جوان بستگی دارد. جامعه پذیری سیاسی به رشد و گسترش افکار و فعالیت های مربوط به شیوه زندگی در جامعه دموکراتیک کمک میکند به جهت اهمیت جامعه پذیری سیاسی امروزه موضوعات مربوط به این حوزه به سرعت در حال رشد است و مورد توجه محققان قرار گرفته است و اینکه کوشش برای تشخیص قلمرو مطالعاتی آموزش و پرورش تازگی ندارد و یکی از دلایلی که علاقه جامعه شناسان را به مطالعه آموزش و پرورش جذب کرد تأثیر آموزش و پرورش از هر دو جنبه رسمی و غیر رسمی بر رفتار شخصی و اجتماعی انسان بود و نیاز به مطالعات جامعه شناسی در آموزش و پرورش بسیار مشهود است. نظام آموزش و پرورش تأثیر زیادی بر فرهنگ و همه امور جامعه دارد و از همین حیث در جامعه شناسی به آن پرداخته اند.

منابع

اسفندیاری، ابراهیم، ۱۳۸۱، آموزش و پرورش با رویکرد جامعه شناختی، انتشارات همبستگی، تهران

رابرتسون، یان، ۱۳۷۴، درآمدی بر جامعه ترجمه حسین بهروان، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد

شارع پور، محمود، ۱۳۸۶، جامعه شناسی آموزش و پرورش، انتشارات سمت، تهران

علاقه بند، علی، ۱۳۹۴، جامعه شناسی آموزش و پرورش، نشر روان، تهران

منادی، مرتضی، ۱۳۹۲، جامعه شناسی آموزش و پرورش، انتشارات آوای نور، تهران

نلر، جورج، ۱۳۸۸، انسان شناسی تربیتی، ترجمه محمد رضا آهنگچیان و یحیی قائدی، انتشارات آبیژ، تهران

یار محمدیان، محمدحسین، ۱۳۹۵، مبانی و اصول برنامه ریزی درسی، انتشارات یادواره کتاب، تهران

Baumrind, D. (1973). The Development of Instrumental Competence Through Socialization, University of Minnesota Press.

Bourdiru, P. (1986). The forms of capital, in Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education”, Greenwood Press

Brookover, W. and Erikson , E.L. (1975). Sociology of Education” , The Dorsey Press

Coleman, J. S. (1961). The Adolescent Society, New York, Free Press

Hurn, C. J. (1985). The Limits and Possibilities of Schooling, Boston

Johnson, D.W. and Johnson, R.T. (1997). Social Psychological Theories of Teaching, Oxford, Pergamon

Kuhn, T.S. (1970). The Structure of Scientific Revolutions, Chicago, University of Chicago Press

Robinson, P. (1981). Perspectives on the Sociology of Education , London

Waters, M. and Crook, R. (1990). Sociology One , Melbourne, Longman Cheshire



A Review of the Sociology of Education, and a Sociological Analysis of the Classroom and Curriculum

Nazanin Ghazzagh

BS student in Education Sciences at the Islamic Azad University, Gonbad-e Kavus Branch

Abstract

The sociology of education, in general, is the study of the relationship between education and society through a systematic application of sociological knowledge, concepts, theories, approaches, and methods. In order to survive, a society must pass on its beliefs, values, customs, ideologies, knowledge, and skills to future generations; education is the means to that end. In its broadest sense, education is synonymous with socialization. The sociology of education is a relatively recent academic field, with the bulk of its literature produced over the past half-century, though its origins can be traced back to the works of 19th-century sociologists. Given the social structure of education and its close relationship with society, the field can play a key role in education.

Keywords: Education; Sociology; Social structure